

## کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا از واقعیت تا رؤیا

بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، دهه نود میلادی را یکی از پرحادثه‌ترین دورانهای تاریخ بشری می‌دانند. اگرچه اهمیت این دوره بیشتر به خاطر برچیده شدن دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وحدت دو آلمان می‌باشد، ولی ریزش دیوارهای بی‌اعتمادی که کشورهای اسلامی و عربی در مقابل موجودیت رژیم صهیونیستی و طرحهای امپریالیستی مانند «طرح بالفور» کشیده بودند نیز کم‌اهمیت نیست. در این برهه از تاریخ، غرب با هدایت امریکا توانست با سیاست‌های حساب شده از تفرقه و جدایی در دنیای اسلام (بیشتر به خاطر تجاوز عراق به کویت) و خستگی روانی ناشی از بیش از ۴۰ سال مبارزه با اسرائیل، کمال بهره‌برداری را به عمل آورد و کشورهای عربی را یکی پس از دیگری به پای میز مذاکره مستقیم با اسرائیل بکشاند.

اسرائیل نیز که تا پایان دهه هشتاد و با زبان نظامی با کشورهای عربی سخن گفته بود، بنسبانه دلایل چندی از جمله: تقویت قوای عربی - اسلامی، بالارفتن هزینه تسلیحات دفاعی و خطرات نهفته در یک حمله ناگهانی، و ترس و ناآرامی که تسلیحات جدید موشکی و شیمیایی در اذهان ایجاد کرده بود، تاریخ امنیت کلاسیک خود را خاتمه یافته تلقی نموده و به دنبال راهبردهایی باشد تا بدون جنگ و خونریزی به اهداف خود دست یابد. طراحان صلح اسرائیلی به این واقعیت دست یافته‌اند که سرزمین تحت سلطه آنها، متعلق به آنها نیست و با فشارهای نظامی، اقتصادی یا اجتماعی نمی‌توان فلسطینیان را از این سرزمینها اخراج کرد و تکرار سالهای گذشته بویژه سال ۱۹۴۸ بعید به نظر می‌آید.

۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ و امضای دور اول مذاکرات به اصطلاح اعراب و اسرائیل در کاخ سفید، یک روز به یادماندنی برای طراحان صلح اسرائیل است، زیرا در آن روز رهبران این رژیم پس از حدود پنج سال مذاکرات پنهان و آشکار و نوافقات به عمل آمده در اسلو، به هدفی که گفته می‌شود

برای اولین بار شائول مرزاحی، نماینده آکادمی دانشگاه عربی در سال ۱۹۶۷ از آن به عنوان بازار خاورمیانه ای نام برده بود<sup>۱</sup> نزدیکتر شدند.

رهبران اسرائیل در ورای این جشن و سرور و کف زدندهای پیاپی بسیاری از شخصیت های سیاسی و رهبران دنیا، که در کاخ سفید جمع شده بودند، به دلارهای نفتی و امکانات اقتصادی کشورهای ثروتمند منطقه می اندیشیدند که می تواند بازارهای مصرف و تأمین کننده مواد اولیه برای تولیدات اسرائیل باشد. در این مرحله با به رسمیت شناخته شدن این رژیم توسط دولتهای عربی و پایان حالت جنگ و امضای پیمان نامه صلح و در نتیجه لغو تحریم اقتصادی، می توانست توسعه صادرات کالاهای اسرائیلی و افزایش روابط تجاری و فنی با کشورهای عربی را به دنبال داشته باشد.

در این راستا، سیاست خارجی اسرائیل که از تکیه صرف به کشورهای عربی مصر خارج می شد و سایر کشورهای عربی بویژه کشورهای ثروتمند عربی حوزه خلیج فارس را نیز در برمی گرفت،

مناسب ترین راه برای تحمیل خود را صدور کالا و مشارکت اقتصادی با این کشورها می دانست، لذا سعی نمود از طریق طرحهایی چون بازار مشترک خاورمیانه و بانک خاورمیانه حضور خود را در منطقه افزایش دهد. همزمان، نظریه پردازیهایی اسرائیل و طرفداران صلح آغاز گردید و وزیر خارجه وقت اسرائیل (شیمون پرز) کتاب معروف خود را به نام «خاورمیانه جدید»<sup>۲</sup> منتشر ساخت که در آن پس از تحلیل شرایط جدید پس از دو جنگ خلیج فارس در منطقه، موضوع نیاز شدید اعراب به سرمایه و پول و نیاز اسرائیل به امنیت و بازار تأکید شده است. او می گوید: «نیازهای هر دو طرف در سایه همکاری های اقتصادی و ایجاد یک سلسله ترتیبات مثل بازار مشترک اروپا امکان پذیر است.»<sup>۳</sup> تلاشهای بی وقفه آمریکا در زمینه تشبیهت و اجرای طرح نوین منطقه ای، شالوده برگزاری اجلاسهایی را فراهم ساخت که به نام کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال افریقا معروف گردید.

اجلاس اول: (۳۰ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۹۴ مطابق ۸ تا ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۳) این نشست

در سال ۱۹۹۴ در کازابلانکا (دارالبیضاء) پایتخت مراکش تشکیل شد و تعدادی از رهبران منطقه و جهان در آن شرکت کردند. مجموعه‌ای در حدود ۲۵۰۰ نفر از ۶۱ کشور جهان از جمله نخست وزیران ترکیه، اسپانیا، پرتغال، اتریش، رئیس جمهوری رومانی، رئیس مجلس سنای ایتالیا، رئیس پارلمان لهستان، رئیس کمیسیون اروپا، وزیرای خارجه کشورهای مهم اروپایی و امریکایی، وزیرای خارجه قطر، بحرین، کویت (وزیر مشاور) و نیز وزیرای اقتصادی و بازرگانی عربستان و عمان حضور داشتند. در هیئت ۲۵۰ نفره اسراییل دست کم ۹ وزیر قرار داشت. ۴ بجز کشورهای سوریه، لبنان و یمن، همه کشورهای عربی در آن شرکت کردند.

بسیاری از ناظران سیاسی و اقتصادی شرکت کننده در این اجلاس عقیده داشتند، این نشست موفقیت چندانی در تحقق طرح بزرگ اقتصادی در منطقه نداشت و تقریباً رنگ سیاسی به خود گرفت، به تعبیری یک مانور بزرگ سیاسی و اقتصادی بود که توانست تعداد قابل توجهی از افراد

دست اندر کار امور اقتصادی وابسته به بخشهای دولتی و خصوصی و مقامات سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان را در یک اجلاس گسترده به منظور آشنا شدن و تبادل نظر در مورد وضعیت و پروژه های جدید در منطقه گرد آورد.

### اجلاس دوم: (۲۹ تا ۳۱ اکتبر

۱۹۹۵ مطابق با ۸ الی ۱۰ آبانماه ۱۳۷۴):

این نشست در سال ۱۹۹۵ در امان پایتخت اردن تشکیل شد. ۲۰۰۰ نفر از ۶۴ کشور جهان در آن شرکت کرده بودند و از کشورهای خلیج فارس، تنها وزیر خارجه قطر حضور نداشت. وزیران دارایی کویت، وزیر بازرگانی عربستان و بحرین، وزیر میراث فرهنگی عمان، و از امارات هیئتی در سطوح پایین تر حضور داشتند.

در این کنفرانس تصمیم گرفته شد یک بانک همکاری و توسعه اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز یک شورای منطقه ای جهانگردی با مرکزیت قاهره و مؤسسات مسافرتی و سیاحتی برای خاورمیانه و منطقه دریای مدیترانه تشکیل شود.

تأسیس شورای کار منطقه ای برای

حمایت از همکاری بازرگانی میان بخشهای خصوصی کشورهای منطقه ای و ایجاد یک دبیرخانه برای پیگیری رشد اقتصادی منطقه با مرکزیت امان از دیگر طرحهای مطرح بود. پروژه اصلی این کنفرانس، یعنی بانک

توسعه منطقه ای از موضوعات شدیداً مورد اختلافات کنفرانس بود. این طرح از پشتیبانی امریکا و اسرائیل و برخی کشورهای عربی مثل اردن برخوردار بود، اما کشورهای حوزه خلیج فارس و اروپاییها و مشخصاً فرانسه با آن مخالف بودند. آنها این بانک را در خدمت اسرائیل می دانستند و به شرطی با سرمایه گذاری در آن موافق بودند که در اداره آن سهم اصلی را داشته باشند.

در جریان کنفرانس، روزنامه الاهرام (۷۴/۸/۶) در تحلیل خود نوشت، در مذاکرات خاورمیانه گویی هرطرفی به زبان خود سخن می گوید، اسرائیل نغمه سیطره و حاکمیت سرداده و چشم طمع به اموال کشورهای حوزه خلیج فارس و کارگران اردنی و فلسطینی و یا مصری دوخته است. اردن به دنبال حل مشکلات اقتصادی خود، قبل از برپایی صلح همه جانبه و بازگشت

عراق و سوریه به صحنه بین المللی است و امریکا خواهان تحقق هرچه بیشتر پیروزی برای دولت کلینتون است. مصر هدف از این کنفرانس را نجات کشورهای منطقه از طریق برپایی پروژه های مشترک می داند.

در آستانه کنفرانس امان، شیمون پرز وزیر خارجه وقت اسرائیل هدف آن را ایجاد منطقه ای چون کشورهای بن لوکس شامل هلند، بلژیک و لوکزامبورگ اعلام کرد که هیچ مانع و مرزی بین آنها وجود نداشته باشد. او می افزاید: اسرائیل حجم کوچک خود را با احداث راه آهن، کانال و بزرگراه در نزدیکی مرزهای کشورهای همسایه جبران خواهد کرد و طبق برنامه از پیش تعیین شده طابا، ایلات و عقبه به مناطق آزاد توریستی تبدیل خواهند شد تا جهانگردان بتوانند با آزادی کامل و بدون روادید در آن تردد نمایند.<sup>۵</sup>

مصر از تحولات جدیدی که در آن زمان در رابطه اسرائیل با کشورهای عربی ایجاد شده بود، از آن جهت که نقش رهبری خود را در این تحولات در مخاطره می دید، مخالفت می کرد و از آنچه که در اجلاس دارالبیضاء تضعیف نقش مصر و اعراب می خواند و سعی شده بود با مرکزیت

اسرائیل به مورد اجرا گذاشته شود، ناخرسند بود. لذا مطبوعات مصر شدیداً به محور بودن اسرائیل حمله کردند. (عربی - عربی) (عربی - اروپایی) و (عربی - آمریکایی) موفق بوده است.

عمرو موسی نیز قبل از سفر به امان، اعلام کرد همکاری منطقه‌ای تنها در سایه صلح فراگیر و نیز توافق برای ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای قابل اجراست.<sup>۶</sup> علاوه بر طرح‌های مطرح در کنفرانس قبلی، اسرائیل ۲۸۸ طرح با هزینه ۱۰۰ میلیارد دلار آماده کرده بود که در زمینه‌های نیرو، جهانگردی و راه‌بود، ولی نتوانستند قراردادی را منعقد کنند.<sup>۷</sup>

**اجلاس سوم: (۱۲ تا ۱۴ اکتبر ۱۹۹۶ مطابق با ۲۲ تا ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۷۵):** نخست وزیر مصر، تعداد طرح‌های این کشور را ۱۸۸ پروژه و هزینه کلی آنها را ۲۳٫۵ میلیارد دلار اعلام کرد. این طرح‌ها در سه بخش اساسی شامل ایجاد بنادر و فرودگاه‌ها، طرح‌های صنعتی بزرگ شامل کارخانه‌های پتروشیمی، الکترونیک و داروسازی و طرح‌های کوچک و متوسط که سرمایه لازم برای آنها بین ۱ تا ۱٫۵ میلیون دلار شد، قرار داشتند.<sup>۸</sup>

این کنفرانس در سال ۱۹۹۶ و با شرکت ۷۸ کشور جهان در قاهره تشکیل شد. هیئت مصری شامل ۵۶۰ نفر بود که ریاست آن را نخست وزیر برعهده داشت.

اسرائیل که معمولاً در دو اجلاس قبلی با حدود یکصد کارشناس شرکت کرده بود، در کنفرانس قاهره پس از مصر بیشترین تعداد را (۱۵۰ نفر) با سرپرستی وزیر خارجه، به خود اختصاص داده بود و همراه گروه، وزرای صنایع، دارایی، راه و مخابرات نیز شرکت کرده بودند.

در کنفرانس قاهره هیئت‌های مصری و اسرائیلی طرح‌های متعددی را ارائه کردند، ولی عملاً کاری از پیش نبردند و در پایان

شدند، ولی کشورهای حوزه خلیج فارس اهتمام چندانی در تشکیل بانک منطقه‌ای توسعه خاورمیانه نداشتند و عقیده داشتند که این بانک باید ثمره صلح در منطقه باشد. کشورهای عربستان و کویت که بیشترین سهام دار این بانک هستند، معتقد بودند که

اولویت منطقه صلح کامل است و ایجاد مؤسسات جدید اقتصادی در مرحله بعد قرار داد.<sup>۹</sup>

در کنفرانس قاهره، اسرائیل به دلیل مواضع سیاسی و ممانعت هایی که برای صلح به وجود آورده بود، پاسخ خود را در مورد عدم همکاری همسایگان عرب خود دریافت کرد. حسنی مبارک، در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس، حتی یک بار هم از اسرائیل نام نبرد و تأکید کرد که پیشرفت در زمینه اقتصادی، مستلزم پیشرفت در همه روندها بر اساس اصل زمین در مقابل صلح است.<sup>۱۰</sup>

فشار کنفرانس قاهره بر اسرائیل آن چنان بود که دیوید لوی (وزیر خارجه وقت) قبل از سخنرانی به عنوان نماینده اسرائیل، کنفرانس را ترک کرد. با تلاش مصریها، اسرائیل عملاً در حاشیه قرار گرفت و ترتیب ملاقاتها به شکلی بود که هیئت اسرائیلی بجز عمان و قطر نتوانست با دیگران ملاقات کرده و با آنها خیلی سرد برخورد شد.<sup>۱۱</sup>

به گفته مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل، این کشور می کوشید از کنفرانس قاهره به عنوان واسطه مهم و جدید سیاسی و

اقتصادی برای بهبود همکاری بین دولتهای منطقه استفاده کند.<sup>۱۲</sup> ولی عملاً با توجه به رکود و انفجار ناشی از فرایند صلح و سیاستهای توسعه طلبانه و منفی حزب لیکود، کنفرانس کاملاً متأثر از این روند شد و مصر با بهره گیری از آن در صدد منزوی سازی رژیم صهیونیستی در اجلاس برآمد، و سعی کرد راهبرد قبلی شکل گرفته در اجلاسهای اقتصادی کازابلانکا و امان را که بر اساس عادی سازی روابط اقتصادی اسرائیل با دیگر کشورهای عربی بود به راهبرد تقویت بازار مشترک عربی و محور نبودن اسرائیل تبدیل کند.

عمرو موسی پس از اجلاس قاهره گفت: «اجلاس اقتصادی قاهره، چارچوب جدیدی را برای تعاون منطقه ای مشخص کرد. این چارچوب بر سه محور همکاری عربی-عربی؛ همکاری با کشورهای دریای مدیترانه و همکاری با کشورهای آفریقا استوار است.<sup>۱۳</sup>

در مورد محل بعدی اجلاس، علاوه بر قطر که در کنفرانس امان تعیین شده بود، ترکیه و تونس و اسرائیل نیز داوطلب برگزاری آن بودند.<sup>۱۴</sup>

اجلاس چهارم: (۱۶ تا ۱۸ نوامبر ۱۹۹۷ مطابق با ۲۵ الی ۲۷ آبانماه ۱۳۷۶):  
این کنفرانس در دوحه پایتخت قطر تشکیل گردید. از ۲۲ کشور جهان عرب فقط ۵ کشور عربی یمن، اردن، کویت، عمان و تونس، آن هم در سطحی کمتر از وزیر خارجه شرکت کردند و هیچ یک از سران کشورهای منطقه به جز قطر که میزبان بود، در آن شرکت نداشتند.

نشست دوحه اندکی قبل از برپایی کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران تشکیل شد. رؤسای غایبی که در دوحه نبودند به تهران آمدند) و به خاطر عدم نرمش در مواضع اسرائیل نسبت به صلح، این رژیم مورد انتقاد بسیاری از کشورهای عربی قرار گرفت و اعراب با تحریم این اجلاس، واشنگتن را در دستیابی به اهداف منطقه‌ای خود ناکام گذاشتند.<sup>۱۵</sup>

عوامل متعددی از جمله: عدم پایداری نتانیاهاو به توافقات قبلی با فلسطینیان، سوریه و لبنان، افزایش مشکلات مربوط به قضیه بیت المقدس از طرف اسرائیل، ادامه سیاست بمباران مناطق جنوبی لبنان و تخریب خانه‌های فلسطینیان و دستگیری و کشتار آنها و ترور ناموفق خالد مشعل

کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، سوریه، لبنان و مغرب به طور صریح اعلام کردند که در کنفرانس دوحه شرکت نمی‌کنند، برخی از کشورهای عربی نظیر تونس و عمان در عکس العمل نسبت به سیاستهای دولت نتانیاهاو، اقدام به فراخواندن رئیس دفتر حفاظت منافع و نماینده تجاری خود از اسرائیل کردند.<sup>۱۶</sup>

دولتهای حکومت خودگردان و مصر نیز آن را تحریم کردند<sup>۱۶</sup> و از همسایگان اسرائیل فقط اردن در آن شرکت کرد.  
این کنفرانس در حالی پایان یافت که برخلاف دوره اول، هیچ یک از سران کشورهای منطقه بجز قطر (که میزبان بود) در آن شرکت نکرد و حتی در سطح

سخنگوی حماس در اردن عواملی بودند که باعث شدند تا مخالفت های برخی کشورهای پرنفوذ عربی با این اجلاس بسیار آشکارتر شود، و سوریه که تمام اجلاسهای قبلی را نیز تحریم کرده بود، تلاش مضاعفی را برای جلب توافق سایر کشورهای عربی، به منظور عدم شرکت در این کنفرانس به عمل آورد. در مقابل، امریکا سعی زیادی برای تشکیل آن به عمل آورد و مادلین آلبرایت وزیر خارجه امریکا در سفر منطقه ای خود، با وزرای کشورهای عضو و شورای همکاری خلیج فارس ملاقات کرد و از آنها خواست در جهت پاسخ به دشمنان صلح در این کنفرانس شرکت کنند. «ویلیام دالی» وزیر بازرگانی امریکا از کشورهای عربی به سبب تحریم این نشست انتقاد کرد و گفت از تحریم نشست چهارم توسط کشورهای عربی ناراضی شده است، زیرا تحریم کنندگان در واقع به سود مخالفان صلح در منطقه کار کردند.<sup>۱۷</sup>

اسرائیل که در کنفرانس دارالبیضاء و امان در سطح اسحاق رابین نخست وزیر و شیمون پرز وزیر خارجه وقت شرکت کرده بود، به دلیل مسائل گفته شده حتی

وزیر خارجه خود را نیز به این کنفرانس نفرستاد و سرپرستی هیئت اسرائیلی برعهده ناتان شارانسکی وزیر بازرگانی این رژیم بود. بسیاری از طرحهای قبلی که در کنفرانسهای سه گانه مطرح شده بودند، در حاله ای از ابهام فرورفت. تأسیس «بانک توسعه خاورمیانه» که با کلیات آن موافقت شده بود و باید با سرمایه ای پنج میلیارد دلاری تأسیس شده و ۵۰ کشور جهان در سرمایه آن سهیم می شدند، بار دیگر مطرح گردید و بجز قطر، تمام کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با آن مخالفت کردند.<sup>۱۸</sup> به جای پرداختن به طرح بانک توسعه یا شورای تجاری مشترک و نیز همکاری در زمینه تجاری، نمایندگان شرکت کننده و کارشناسان اقتصادی عمدتاً به زمینه های مربوط به امکانات اقتصادی و بازرگانی منطقه پرداختند.

اجلاس سه روزه دوحه که با قتل دهها جهانگرد در الاقصر مصر همزمان شده بود، سرانجام به دلیل اختلافات شدید اعراب شرکت کننده با هیئت نمایندگی اسرائیل موفق به صدور قطعنامه نشد و با انتشار بیانیه ای به کار خود پایان داد. در بیانیه، سخنان شدیدالحنی علیه اسرائیل به کار رفت و از



این رژیم خواسته شد به قطعنامه های ۲۳۸ و ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل عمل کرده و به اصل «صلح در مقابل زمین» احترام بگذارد، و از اراضی اشغالی بعد از جنگ شش روزه عقب نشینی کند. آنها به بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمینهای خود تأکید کردند.

میزبان بعدی و تاریخ تشکیل اجلاس بعدی نیز (برخلاف دوره های قبلی) تعیین نگردید. برخی منابع شرکت کننده احتمال دادند که نشست بعدی در سلطان نشین عمان یا تونس برگزار شود.<sup>۱۹</sup>

در یک جمع بندی کلی می توان گفت: برخی از کشورهای عربی شاید بر این باور باشند که توسعه روابط با اسرائیل منجر به معجزه عمران و آبادی و توسعه فن آوری و اقتصادی آنها خواهد شد، سرمایه گذاری خارجی در این کشورها بیشتر شده و بهبود معیشتی شهروندان را به همراه خواهد داشت. لذا روابط ناموزون خود را با اسرائیل نمودی از شجاعت و اقتدار ملی در سیاست خارجی می دانند، ولی روند این اجلاس و سیاست های کلی آن به اعراب ثابت کرد که تداوم آن کاملاً یک طرفه و

به سود اسرائیل است. لذا کشورهای که برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با این رژیم «هروله» می کردند، متوجه شدند خروج از اجماع عربی برای ایجاد روابط با اسرائیل نه تنها اقتدار ملی آنها را بالا نبرده بلکه اقتدار عربی را نیز خدشه دار نموده است. این امر در اظهارات جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز دیده می شود که گفت: بسیاری از مسئولان عرب عقیده دارند که کنفرانس سال ۱۹۹۴ برای خروج اسرائیل از طراحی شده بود و اسرائیل بیش از دیگر کشورهای عرب از این گشایش استفاده خواهد کرد.<sup>۲۰</sup> اما اصرار امریکا در برگزاری چنین کنفرانسهایی را باید در چشم انداز منافی دید که این کشور برای خود و همپیمان نظامیش در نظر گرفته است. اگرچه در ظاهر، امریکا هدف این کنفرانسهها را نزدیک سازی سیاسی اسرائیل به جهان عرب با ابزارهای اقتصادی می داند، تا ملتهای منطقه طعم شیرین روند صلح را چشیده و از آن بیشتر حمایت کنند، ولی هدف واقعی این کشور درگیر کردن رژیم صهیونیستی در اقتصاد کشورهای منطقه و تحمیل کالاهای صنعتی به آنان و

استفاده از امتیازات آن برای مقاصد سیاسی خود می باشد تا- همان طور که مسئولان آن نیز اذعان می کنند- از کمکهای اقتصادی به رژیم اسرائیل خلاصی یابد و این مسئولیت را بر دوش کشورهای ثروتمند عربی واگذار نماید.

اما در این میان، اسرائیل هدفهای وسیعتری دارد، این رژیم سعی دارد در کوتاه مدت ضمن عادی سازی روابط تجاری رسمی با کشورهای عربی تحت عناوینی همچون صدور فن آوری، مشارکت در پروژه های کشاورزی و شیرین سازی آب، جای پاییی را برای یک حضور دائمی در منطقه ایجاد کند و در یک روند طولانی تر، از مجرای تجاری و اقتصادی، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با کشورهای عربی خارج از خط مقدم افزایش دهد و در حقیقت عمق استراتژیک خود را در منطقه عربی و خلیج فارس افزایش دهد.

در نهایت، برای تبیین استراتژی اسرائیل از چنین اجلاسهایی، فراهایی از کتاب معروف شیمون پرز، «خاورمیانه جدید» را بدون هیچ توضیحی یادآور می شود: «چند حقیقت فولادین- نتایج جنگهای مختلف

اعراب و اسرائیل و ظهور پدیده جدید اسلام خواهی در منطقه، بر اسرائیل و همسایگان عربش آشکار ساخت که جنگ بی فایده است و هیچ ضمانتی برای پیروزی همه جانبه وجود ندارد.<sup>۲۱</sup>

آینده نزدیک نیز- هیچ نشانه ای برای تغییر در جوهر این وضعیت به همراه ندارد. علی رغم این که اسرائیل از نظر استراتژیک و نظامی بسیار قوی است و می تواند با هرگونه تهدید احتمالی اعراب مقابله نماید، ولی رسیدن به یک پیروزی کلی و همه جانبه هیچ گاه قابل دسترسی نخواهد بود.<sup>۲۲</sup> «ما- اسرائیل و اعراب- در منطقه خاورمیانه با دشمنی مشترک روبرو هستیم، یعنی فقر، فقر پدر اصول گرایی اسلامی است».<sup>۲۳</sup>

«وجود بازار مشترک خاورمیانه ای- که هدف اصلی کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال افریقا است- منافع حیاتی برای حفظ صلح- و عدم تهدید اسرائیل- را در دراز مدت مستحکم خواهد کرد».<sup>۲۴</sup>

تهیه کننده: محمد قهرمانی

## جاسوسی اقتصادی اسرائیل در ایالات متحده

پاورقی ها:

۱. الاحرار، مصر، ۱۳۷۴/۷/۲۹.

۲. ایران، ۱۳۷۶/۷/۲۹.

### 3. The New Middle East.

۴. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۱.

۵. الاهرام، سلام احمد سلام، ۱۳۷۴/۸/۸.

۶. الاخبار، ۱۳۷۴/۸/۷.

۷. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق.

۱۳۷۵/۸/۲۲.

۸. بولتن اقتصادی، شماره ۱۴۷۶، ۱۳۷۵/۸/۲۲.

۹. الشرق الاوسط، ۱۳۷۵/۸/۲۰.

۱۰. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق.

۱۳۷۵/۹/۱.

۱۱. همان، ۱۳۷۵/۹/۱.

۱۲. همان، ۱۳۷۵/۹/۱.

۱۳. بولتن طرحهای مصر در اجلاس قاهره،

۱۳۷۵/۸/۳۰.

۱۴. بولتن اقتصادی، شماره ۱۴۷۶، ۱۳۷۵/۸/۲۲.

۱۵. اطلاعات، ۱۳۷۶/۳/۲.

۱۶. همان، ۱۳۷۶/۳/۵.

۱۷. همان، ۱۳۷۶/۳/۵.

۱۸. سلام، ۱۳۷۶/۱۰/۱۸.

۱۹. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۸/۲۹.

۲۰. اطلاعات، ۱۳۷۶/۸/۲۷.

۲۱. شیمون پرز، الشرق الاوسط الجديد، ترجمه

محمد حلمی عبدالحافظ، انتشارات الاهلية، اردن.

امان، ص ۴۶. (به نقل از سلام، ۱۳۷۶/۷/۱۳).

۲۲. همان منبع، ص ۴۶.

۲۳. همان، ص ۸۲.

۲۴. همان، ص ۱۰۸.

نویسنده این مقاله که در شماره

تابستان ۱۹۹۸ مجله مطالعات فلسطینی به

چاپ رسیده، می گوید از ۱۹۴۸ تا به حال،

اسرائیل اقدام به عملیات تهاجمی جاسوسی

اقتصادی در ایالات متحده امریکا کرده

است. " این فعالیتهای جاسوسی برای حفظ

و مدرن سازی برنامه تسلیحات هسته ای و

ساخت انواع گوناگون جنگ افزارهای

متعارف پیشرفته اسرائیل حیاتی بوده است،

در حالی که با افزایش قدرت رقابت غیر

عادلانه شرکتهای تولید کننده اسلحه در

اسرائیل، این امر به ضرر شرکتهای مشابه

امریکایی تمام شده است. اسرائیل تنها

کشوری است که هم دریافت کننده اصلی

کمکهای خارجی امریکا به شمار می آید، و

هم مشغول جاسوسی اقتصادی علیه

آنهاست.

مرکز ملی ضد اطلاعات امریکا،

اسرائیل را در فهرست ده دوازده کشوری که

فعالانه بر ضد منافع امریکایی فعالیت دارند،

قرار داده است. با همکاری برخی یهودیان